

## بحث: بیع قرآن (مصحف)

مصحف به ضم میم و به کسر آن، از کلمات بنی تمیم بوده است و به معنای مجموعه‌ای از صفحات کاغذ است که روی آنها چیزی نوشته شده بین دو جلد قرار داده شده و به هم ضمیمه شده باشد. اما در اصطلاح «مصحف» به معنای کاغذهایی است که روی آن کلام الله ثبت و درج است و بین «دفتین» (دوکناره، جلد) قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

البته مصحف به هر ورقه‌ای که حاوی قرآن باشد (حتی اگر جزء قرآن باشد) صدق می‌کند. در کلمات فقهای بزرگوار بحثی مطرح شده است که با عنوان «حرمت بیع مصحف» شناخته می‌شود. مرحوم شیخ انصاری در این باره می‌نویسد:

«صرح جماعة كما عن النهاية و السرائر و التذكرة و الدروس و جامع المقاصد بحرمة بیع المصحف.

و المراد به كما صرح به فی الدروس خطه. و ظاهر المحکی عن نهاية الاحکام اشتهارها بین الصحابة، حيث تمسک علی الحرمة بمنع الصحابة»<sup>۲</sup>

ما می‌گوییم:

۱. مفتاح الكرامة در توضیح عبارت علامه که می‌نویسد: «یحرم بیع المصحف بل بیاع الجلد و الورق»، می‌نویسد:

«كما فی «النهاية و السرائر و التحرير و التذكرة و نهاية الاحکام و الدروس و جامع المقاصد و استدللّ علیه فی «نهاية الاحکام» بمنع الصحابة منه و عدم العلم بالمخالف. و المراد خطّ المصحف كما صرح به فی الدروس»<sup>۳</sup>

۲. مرحوم شهیدی درباره اینکه شیخ فرموده است «جامع المقاصد هم تصریح به حرمت دارد» اشکال کرده است و می‌نویسد: محقق ثانی صرفاً در ذیل عبارت علامه (که در بالا خواندیم) نوشته است: «للتصوص فی الكتاب و السنة» و غیر از این تصریحی ندارد

«و ذلك من جهة أنه قدس سره فی شرح قول العلامة ره و یحرم بیع المصحف قال للتصوص فی الكتاب و السنة فإنه يدلّ علی أن مختاره الحرمة و إلا فلا تصریح فيه بالحرمة»<sup>۴</sup>

۳. اما به نظر می‌رسد می‌توان همین عبارت جامع المقاصد را به نوعی تصریح در حرمت دانست

۱. ن ک: موسوعة الفقهية، ج ۳۸، ص ۵

۲. کتاب المکاسب، ج ۲، ص ۱۵۵

۳. مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين)، ج ۱۲، ص ۲۷۳

۴. هداية الطالب الى اسرار المکاسب ط قدیم، ج ۱، ص ۱۲۵





۴. مرحوم خوئی در مقابل قول مشهور به قول گروهی دیگر هم اشاره می‌کند که قائل به جواز شده‌اند: «ذهب المشهور من أكابر اصحابنا الى حرمة بيع المصحف، وذهب جمع آخر كصاحب الجواهر

وغيره الى الجواز»<sup>۱</sup>

این در حالی است که مرحوم میرزا حسن کاشف الغطا، مدعی است که در حرمت بیع مخالفتی از فقها نقل نشده است<sup>۲</sup>

۵. مرحوم میرزا باقر زنجانی، تصریح می‌کند که حرمت در مسئله اجماعی نیست و حتی مشهور هم نیست. بلکه صرفاً بزرگانی به تحریم فتوا داده‌اند ولی با این حال معلوم نیست که آیا مراد ایشان حرمت وضعی است و یا حرمت تکلیفی<sup>۳</sup>.

این در حالی است که مرحوم سبزواری می‌نویسد که فقها این مسئله را ارسال مسلمات کرده‌اند: «و يظهر منه الاجماع عليه»<sup>۴</sup>

۶. در میان اهل سنت: مالکیه و برخی از شافعیه به کراهت بیع مصحف قائل شده‌اند و استدلال کرده‌اند که چون در بیع ها نوعاً «ابتدال» واقع می‌شود، بیع مصحف مکروه است<sup>۵</sup> و ابوحنیفه هم بدون اشاره به کراهت، بیع را تجویز کرده است.<sup>۶</sup> و حنابله و گروهی دیگر از شافعیه، بیع مصحف را مکروه دانسته‌اند (و برخی هم حرام دانسته‌اند) ولی شراء آن را جایز برشمرده‌اند<sup>۷</sup>

اما در میان اهل سنت، ابن قیم الجوزیه، قائل به تحریم است<sup>۸</sup>

۷. شیخ انصاری و مرحوم صاحب جواهر از علامه حلی در نه‌ایة الأحكام نقل می‌کند که او دلیل حرمت را «منع صحابه و عدم علم به مخالف» برشمرده است. این عبارت به نوعی حاکی از موافقت و یا حداقل عدم مخالفت مولی‌الموحدين و حسنین (ع) در مسئله و تقریر ایشان است و الا «منع صحابه» به تنهایی دلیل بر حرمت نمی‌تواند باشد. (پس مسئله از موارد اجماع دخولی است و یا از مصادیق تقریر ایشان است)

۱. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۷۴۰

۲. انوار الفقاهة، ج ۵، ص ۱۲۹

۳. المكاسب، ج ۱، ص ۴۳۵

۴. مهذب الاحكام، ج ۱۶، ص ۱۸۲

۵. موسوعة الفقهية، ج ۳۸، ص ۱۶

۶. ن. ک: حاشية محاضرات في الفقه الجعفري، ج ۱، ص ۵۰۴

۷. موسوعة الفقهية، ج ۳۸، ص ۱۶

۸. ن. ک: حاشية محاضرات في الفقه الجعفري، ج ۱، ص ۵۰۴